

تعریف حکم و ضرورت آن
انسان در زندگی با موضوعات مختلفی روبرو است که هر کدام از این موضوعات «حکم» خاص خود را دارند.
- مثال‌های موضوعات عادی: راه رفتن، نشستن، برخاستن، غذا خوردن، دیدن.
- مثال‌های موضوعات حقوقی: اجاره دادن، معامله کردن، وصیت کردن، ازدواج کردن، طلاق دادن، ارث بردن.
- مثال‌های موضوعات شرعی: نماز خواندن، روزه گرفتن، حج رفتن، زکات دادن.
- مثال‌های موضوعات جزایی: کشیدن چک بلامحل، چاقو زدن به شخص دیگر.
تعریف حکم: هر دستوری که از طرف شخص دارای صلاحیت (مانند خداوند یا قانون‌گذار) برای تک‌تک اعمال و رفتار انسان‌ها صادر می‌شود، حکم نامیده می‌شود. ابزار استخراج این احکام، همان علم اصول فقه است.

تقسیمات حکم
حکم دارای چهار نوع تقسیم‌بندی است:

- اول: تقسیم حکم از نظر صادرکننده
۱. حکم شرعی: دستوری که از طرف خداوند متعال صادر می‌شود.
 ۲. حکم قانونی: دستوری که قانون‌گذار تعیین و صادر می‌کند.
 ۳. حکم قضایی: حکمی که توسط مرجع قضایی (دادگاه، شورای حل اختلاف، دیوان عالی کشور، دیوان عدالت اداری، دادگاه تجدیدنظر) صادر می‌شود.
- هدف اصلی این احکام، تنظیم روابط بین انسان‌ها است.

دوم: حکم تکلیفی و وضعی

۱. حکم تکلیفی: حکمی است که مستقیماً با اعمال و رفتار مکلفین ارتباط داشته و وظیفه و تکلیفی را برای آن‌ها مشخص می‌کند.
- مثال‌ها: وجوب ادای دین، وجوب پرداخت نفقه، وجوب رد امانت، ممنوعیت قتل عمد، ممنوعیت شرب خمر.
انواع ۵ گانه حکم تکلیفی: وجوب (انجامش لازم و ترکش مجازات دارد)، حرمت (انجامش ممنوع و مجازات دارد)، استحباب (انجامش بهتر است اما ترکش مجازات ندارد)، کراهت (انجام ندادنش بهتر است اما انجامش مجازات ندارد)، اباحه (انجام دادن و ندادنش یکسان است و مجازاتی ندارد).

۲. حکم وضعی: حکمی است که مستقیماً با اعمال و رفتار مکلفین ارتباط نداشته و فقط حالت و وضعیتی را مشخص می‌سازد.
- مثال‌ها: صحت یا بطلان یک معامله، طهارت و نجاست یک لباس، زوجیت، ملکیت.

نکته مهم در مورد احکام تکلیفی و وضعی:

- نکته اول: در امور شرعی هر ۵ نوع حکم تکلیفی وجود دارد (مثل وجوب روزه، حرمت شرب خمر، استحباب صدقه، کراهت لباس سیاه، اباحه بسیاری از کارها). اما در مسائل حقوقی عمدتاً فقط ۲ حکم وجوب، حرمت و اباحه وجود دارد. مثال حقوقی وجوب (وجوب پرداخت مالیات، الزام به تنظیم سند رسمی)، مثال حقوقی حرمت (ممنوعیت شکنجه، ممنوعیت تفتیش عقاید، ممنوعیت تصرف مال غیر)، مثال حقوقی اباحه (انتخاب اقامتگاه، انتخاب شغل، انعقاد هر نوع قرارداد مانند خرید و فروش و اجاره در چارچوب قانون).
- نکته دوم: احکام تکلیفی فقط شامل افراد عاقل و بالغ می‌شود، در حالی که در احکام وضعی شرط بلوغ و عقل وجود ندارد. مثال: شرب خمر برای شخص غیربالغ یا مجنون مجازات شلاق ندارد (تکلیفی)، اما اگر طفل در لباس خود ادرار کند یا خون گوسفند روی آن بریزد، لباس نجس می‌شود (وضعی). همچنین طفل و مجنون می‌توانند مالک شوند، ارث ببرند یا مالی برایشان وقف و وصیت شود.
- نکته سوم: این دو حکم با یکدیگر رابطه نزدیکی دارند و معمولاً در کنار هر حکم وضعی، چند حکم تکلیفی وجود دارد. مثال: پس از اثبات «زوجیت» (حکم وضعی)، احکام تکلیفی متعددی مانند «وجوب نفقه»، «وجوب تمکین» و «حرمت ازدواج مجدد زن» به وجود می‌آید.

سوم: حکم واقعی و ظاهری

۱. حکم واقعی: حکمی است که از طرف خداوند یا قانون‌گذار برای اعمال و رفتار انسان‌ها مشخص شده است، خواه مکلف آن را بداند و خواه نداند.
۲. حکم ظاهری: حکمی است که در صورت فقدان حکم واقعی یا جهل به آن، به جهت خروج از حالت شک و تردید معین می‌شود.
- مثال‌ها: اصل برائت و استصحاب (یعنی اگر قبلاً به چیزی یقین داشتیم و اکنون شک کنیم، همان حکم یقینی سابق را ادامه می‌دهیم).

چهارم: حکم اولی و ثانوی

۱. حکم اولی: حکمی است که توسط شارع یا قانون‌گذار برای حالات عادی و غیر استثنایی مشخص شده است.
- مثال‌ها: خواندن نماز به صورت ایستاده، گرفتن وضو با آب، ممنوعیت استفاده از گوشت حیوانی که مرده و ذبح شرعی نشده است.
۲. حکم ثانوی: حکمی است که برای حالات خاص و استثنایی صادر شده است (مانند شرایط اضطرار، اکراه، عسر و حرج).

- مثال‌ها: خواندن نماز به صورت نشسته (برای کسی که کمرش را عمل کرده و توان ایستادن ندارد)، تیمم کردن (برای کسی که آب برایش ضرر دارد یا ظرف آب غصبی است)، وضو گرفتن روی جبیره (برای زخم)، خوردن گوشت مرغ مرده در بیابان برای کسی که در حال مرگ است (به اندازه رفع نیاز) .

موفق باشی هم کلاسی عزیز